

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

کنوانسیون شوم «سیداو»؛ مارِ سمی و پروژه‌ی جدید غرب جهت فاسد ساختن زنان مسلمان!

(ترجمه)

﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (34) أَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (35) أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ (36) أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّرُونَ (37) أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (38)﴾ [الطور: 34]

ترجمه: اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند! یا آن‌ها بی‌هیچ آفریده شده‌اند، یا خود خالق خویشند؟! آیا آن‌ها آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه آن‌ها جویای یقین نیستند! آیا خزاین پروردگارت نزد آن‌هاست؟! یا بر همه چیز عالم سیطره دارند؟! آیا نردبانی دارند (که به آسمان بالا می‌روند) و به وسیله آن اسرار وحی را می‌شنوند؟! کسی که از آن‌ها این ادعا را دارد، دلیل روشنی بیاورد!

«هدف از دعوت به نصرانیت، محض نصرانی ساختن نیست؛ بلکه خالی نمودن قلب مسلمان از ایمان نیز می‌باشد و فریفتن دختران جوان مسلمان - با هر وسیله‌ای ممکن - کوتاه‌ترین راه رسیدن به این هدف می‌باشد؛ زیرا دختران جوان کسانی هستند که جلو تغییر جامعه اسلامی و ربودن ارزش‌های اسلامی از جامعه مسلمانان را می‌گیرند...» [زویمر کشش در سال 1906م]

از زمانی که غرب کافر استعمارگر درک نموده است که قدرت اسلام و مسلمانان در عقیده اسلامی و افکار و مفاهیمی که از عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرد، نهفته است. به سلاح فکری برای مبارزه با اسلام متوسل شده و جنگ فرهنگی و فکری را برای تحریف عقیده اسلامی راه‌اندازی نموده و احکام شرعی الهی را که بر مفاصل زندگی اسلامی حاکمیت دارد، به ناسازگار بودن به این زمان و مکان متهم نموده است. غرب کافر استعمارگر می‌خواهد با این کار و از طریق دور نمودن اسلام از افکار، اذهان و قلب‌های مسلمانان و منحصر ساختن آن در عبادات فردی؛ چون: روزه و نماز، نظام اسلام را نابود سازد. حتی غربی‌ها آن را آزادی شخصی نام نهاده و این فریضه‌های شرعی را با شعائر بت‌پرستان؛ مثل: هندوها، بودایی‌ها و شعائر گمراهان و غضب‌شدگان یکسان می‌دانند، تا همه فرزندان مسلمانان؛ به ویژه دختران مسلمان را به بزرگ و پاک شمردن زندگی‌ای غربی فرسوده شده و پیروی از فرهنگ‌های کفار با تجددگرایی، مدرنیسم و نوگرایی شمردن آن، سوق دهد و هرکسی که با آن مخالفت کند، تروریست افراط‌گرا و یا عقب‌مانده متحجر می‌نامند!

غرب در طرح توطئه و دسیسه‌چینی این جنگ فکری از طریق تعیین حکومت‌های ظالمی که در سرزمین‌های مسلمانان به آن چه الله نازل کرده حکم نمی‌کند، تا امروز کامیاب شده است، این نظام‌ها و حکومت‌ها بر امور ذیل کار کرده است:

1- فاسد ساختن نصاب‌های آموزشی با سیکولرسازی و غربی ساختن آن به منظور تربیه نسل‌هایی از فرزندان مسلمان که از دین آگاهی نداشته باشند.

2- تطبیق قوانین استعماری دیرینه و وضع نمودن پیمان‌های قانون‌گذاری و قوانین جدیدی که ضامن تطبیق پروژه‌های غربی بوده و منافع این کشورهای استعمارگر سرمایه‌داری را تأمین کند.

3- تحمیل سیطره اقتصادی، سیاسی و نظامی غرب از طریق پیمان‌های ملی و بین‌المللی با سازش و تبانی با دشمنان اسلام برای در گرو گرفتن مسلمانان، وادار ساختن ملت‌ها به سر تعظیم فرو بردن به حاکمیت‌شان، به یغما بردن ثروت مسلمانان، تنگ ساختن زمینه بر آنان در رزق و روزی، تهدید امنیتی، متفرق گرداندن‌شان، توهین به مقدسات اسلامی و اشغال سرزمین‌شان.

هم‌چنان این نظام‌های مزدور تلاش به خرج داده‌اند که رسانه‌های مختلف را جهت تحریف و دور نمودن مسلمانان از عقیده اسلامی‌شان اجازه دهند تا فعالیت کنند تا احکام و نظام‌های اجتماعی و تاریخ طلایی اسلام را بدنام سازند. با راه‌اندازی فعالیت‌ها و کمپاین‌ها جهت گسترش و رشد فراخوان‌ها و پروژه‌های غرب با همکاری مزدوران غربی که در بدل تطبیق برنامه‌ها و پروژه‌های اتحادیه‌های عمومی زنان، آرمان‌ها، مؤسسات، سازمان‌های زنان وابسته به ملل متحد، مراکز زنان و کودکان، تمویل می‌شوند؛ در اذهان زنان، افکار غربی را بذر افشانی نمایند. فراخوان‌ها و جنبش‌هایی که ادعای دفاع از حقوق زنان نموده و شعارهای حمایت از خانواده، مبارزه با خشونت علیه زنان، حمایت جانی، قدرت بخشیدن به زنان و استقلال مادی بخشیدن به زن، موضوعات تبعیض علیه زنان، حقوق سیاسی زنان و سائر شعارهای دروغین پر زرق و برق را سر می‌دهند که در واقعیت مجموعه‌ای از افکار گُشنده و مخالف دین و شریعت الله - سبحانه و تعالی - است. از جمله فعالیت‌های آنان، امور ذیل می‌باشند:

- از رسانه‌های گوناگون برای بیان نمودن این که اسلام دینی است که بر زنان ظلم می‌کند، سوء استفاده می‌کنند.

- این مفکوره را که «دست برداشتن و عدول کردن از ایدئولوژی اسلام - از عقیده و نظام اسلام - زنان و مردان مسلمان را نجات می‌دهد» ترویج می‌دهند.

- مفکوره‌ای که غرب با اعتبارترین و بالاترین الگو - در آزادی‌ها و مساوات با مردان - است تحمیل می‌کند؛ الگویی که برای دست یافتن زن مسلمان به «حقوق ترک‌شده» و «اراده سلب‌شده» ای زنان، محقق شدن استقلال زنان، قدرت بخشیدن به زنان، دور ساختن مزاحمت مرد در کسب غذا، باید از آن پیروی کند؛ واقعیت این است که سرمایه‌داری زن را وامی‌دارد که از خانه بیرون شده و به بازار کار وارد شوند تا که از زیبایی آنان برای تأمین منافع اقتصادی خود سوء استفاده نمایند.

- هم‌چنان رسانه‌ها به تصویر می‌کشاند که مرد مسلمان به عنوان پدر، برادر و شوهر؛ استفاده‌جو، ظالم و خشونت‌گر است؛ بناءً، بنیاد ازدواج شرعی را مورد حمله قرار می‌دهند و ازدواج مدنی را ترویج می‌دهند که مهر و مدت عدت را لغو نموده و سن ازدواج را به تأخیر می‌اندازد، نقش مادران را در جامعه می‌کاهد، بر روابط نامشروع/حرام تشویق می‌کند، احکام ویژه اسلام در خصوص اطاعت زن از شوهر، سرپرست بودن شوهر و ولایت پدر در ازدواج را تحریف می‌کند، اسالیب گوناگون را برای گمراه‌سازی، منحرف

ساختن، مشکوک‌سازی و راه‌اندازی بحث و مذاکره روی احکام شرعی اسلام مرتبط به تعدد زوجات، میراث و گواهی زنان، به کار می‌گیرند و بر احکام شرعی‌ای که ضامن حفظ کرامت و حقوق زن و مرد است، یورش آشکارا و فنی می‌برند.

این همه برای این است که سرزمین‌های اسلامی را آماده سازند که احکام کفری را به عوض احکام اسلام بپذیرند. توطئه‌های خود را با شیوع این مفکوره که زن مسلمان برای حمایت خود به قوانینی نیاز دارد و طبعاً این قوانین باید قوانین غربی باشد، استحکام بخشیده تا بتواند کنوانسیون/پیمان‌نامه‌های وضعی مختص به زنان؛ هم‌چون: «کنوانسیون سیداو» را مروج سازند.

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (سیداو)

«توافق‌نامه سیداو» در سال 1979م، از سوی سازمان عمومی ملل متحد بنا یافته و به برگ فشار بر سرزمین‌های مسلمانان جهت پذیرش و تطبیق آن در مقابل کمک‌های اقتصادی برای این‌که نیروی ملت‌های شکست‌خورده را در زمان حاکمیت ظالمان به اختیار خود گیرند، مبدل گردیده است. غرب دیدگاه خود در قبال زندگی را تحمیل نموده است؛ یعنی دیدگاه کفر و اهل آن را بر ثقافت/فرهنگ امت اسلامی و قانون‌گذاری‌های خود را با تحمیل پیمان‌نامه‌های بین‌المللی غربی‌سازی تحمیل نمود تا آن‌که زن مسلمان هویت اسلامی خود را از دست دهد. غرب برای کمک کردن و قرض دادن به ملت‌های ستم‌دیده و ناچار شده، به دلیل ظلم حکومت‌ها و بی‌توجهی در رعایت امور و ضایع گردیدن حقوق‌شان، پابندی به کنوانسیون‌ها و پیمان‌ها را شرط می‌گذارند. هدف آن دور نمودن مسلمانان از دین‌شان در جنگی که بر ضد اسلام به راه انداخته شده است، می‌باشد. اما به زودی اسلام بر خواهد گشت تا بار دیگر به إذن الله تعالی بر جهان حکومت کند.

توافق‌نامه سیداو، بندها و تناقضات آن با شریعت اسلامی

این توافق‌نامه شوم بر مبنای وارد ساختن ایدیولوژی مساوات مرد و زن در نظام حقوقی و دستور قانون و لغو نمودن تمامی قوانین تبعیض‌گرایانه و اتکا کردن به قوانینی که کفار مناسب می‌بینند و - به گمان خودشان - جلو تبعیض علیه زنان را می‌گیرند، استوار است و برای تحمیل تسلط استعمارگران غربی بر سرزمین‌های مسلمانان بر کشورهای امضاءکننده امور ذیل را لازمی می‌گرداند:

- ایجاد محاکم و سائر نهادهای عامه جهت تضمین حمایت مؤثر از زن در برابر تبعیض؛

- تضمین از بین بردن تمامی کارکردهای تبعیض‌گرایانه در برابر زنان؛ اعم از افراد و نهادها و سازمان‌ها؛

- ارزیاب گزارش از تدابیری که نشان‌دهنده این باشد که به کنوانسیون‌ها و پیمان‌ها پابندی گردیده، حداقل یک‌بار در هر چهار سال باشد.

از بارزترین تناقضات توافق‌نامه سیداو با شریعت اسلامی:

1- «ماده دوم» از توافق نامه تصریح نموده که: باید دولت‌های امضاءکننده تمامی احکام، لایحه‌ها و شاخصه‌هایی را که میان مرد و زن در قوانین خود، فرق قایل می‌شود، باطل سازد؛ حتی اگر زیربنای آن دین بوده باشد. این تناقض آشکار با شریعت اسلامی است و از موارد نیاز این ماده این است که تمامی احکام شرعی مرتبط به زنان باطل و متروک شود و رجوع نمودن و اتکاء به آن درست نیست. توافق نامه فوق شریعت را لغو می‌نماید؛ یعنی به صراحت جوهر عقیده اسلامی را که همانا خضوع برای الله - سبحانه و تعالی - در عقیده و نظام است، لغو می‌نماید. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

[النساء: 65]

ترجمه: به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود؛ مگر این که در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

اما خطرناک‌ترین ماده کنوانسیون، ماده‌ی شانزدهم آن است که سائر بند و ماده‌ها را سر و سامان می‌بخشد. ماده شانزدهم این کنوانسیون تصریح می‌کند: دولت‌های عضو باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند و مخصوصاً برپایه تساوی حقوق مرد و زن امور زیر را تضمین کنند:

الف: حق یک‌سان برای انعقاد ازدواج؛

ب: حق یک‌سان برای انتخاب آزادانه همسر و انعقاد ازدواج براساس رضایت آزاد و کامل طرفین؛

ج: حقوق و مسوولیت‌های یک‌سان در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن؛

د: حقوق و مسوولیت‌های یک‌سان به عنوان والدین، قطع نظر از وضعیت زناشویی آن‌ها، در موضوعات مربوط به فرزندان، در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است.

ه: حقوق مساوی برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسوولانه در زمینه تعداد فرزندان و فاصله زمانی بارداری و دسترسی به اطلاعات، آموزش و وسایلی که آن‌ها را برای اعمال این حقوق قادر سازند.

و: حقوق و مسوولیت یک‌سان در رابطه با ولایت، حضانت، قیومت کودکان و فرزندخواندگی یا هرگونه عناوین و مفاهیم مشابهی که در قوانین داخلی وجود دارد. در تمام موارد، منافع کودکان در اولویت است.

از جمله مخالفت‌ها و تناقضات کنوانسیون کثیف سیداو با شریعت اسلامی قرار ذیل است:

- لغو نمودن ولایت؛ همان‌طوری که مرد، ولی/سرپرست ندارد. مساوات زن با مرد ایجاب می‌کند که زن نیز ولی نداشته باشد؛ پس به موجب این فقره هر نوع ولایت یا وصایت بر زن لغو می‌گردد، گویا که ولایت و وصایت بر زن به معنای تسلط بر آن است؛ نه رعایت

امور زن و سرپرستی آن. تساوی مطلق مرد و زن - مفکوره غربی سیکولاریستی پیرامون روابط مرد و زن - چنین امری را ایجاب می کند و طبق آن دختر می تواند بدون اجازه ولی اش با هرکسی که خواسته باشد، ازدواج نماید - گرچه کافر باشد - درحالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنِ وَلِيِّهَا فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ، فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ، فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ...»

ترجمه: هر زنی که بدون اجازه ولی اش نکاح گردد، نکاح آن باطل است، نکاح آن باطل است، نکاح آن باطل است... .

- فرزندان به اسم مادر خود یاد شوند؛ همان طوری که به اسم پدر خود یاد می شوند؛ درحالی که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ [الاحزاب: 5]

ترجمه: آن ها را به نام پدران شان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه تر است.

- منع تعدد زوجات/چندهمسری: طبق مفکوره تساوی مرد و زن، چند همسری و تعدد همسران مجاز نیست. اما الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ﴾ [النساء: 3]

ترجمه: با زنان دیگری که برای شما حلال اند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید.

- لغو نمودن عدت زن بعد از طلاق یا وفات شوهر: برای این که زن با مرد مساوی باشد؛ همان طوری که مرد - بعد از وفات خانم اش عدت ندارد - درحالی که الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾

ترجمه: و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به آخرین روزهای «عده» رسیدند؛ یعنی نزدیک پوره شدن عدت شدند.

- لغو نمودن کامل قوامت/سرپرستی مرد در خانواده: الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ۚ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ ۗ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ ۗ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: 34]

ترجمه: مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و نیز به خاطر انفاق هایی که از اموال شان (در مورد زنان) می کنند. زنان صالح، زنانی هستند که متواضع اند و در غیاب (همسر خود)،

اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد، در بستر از آن‌ها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایف‌شان نبود،) آن‌ها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست.)

- بلند بردن سن ازدواج - از 18 آغاز و هدف دارند که به 21 سال برسانند - با آن که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ، وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ، وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصِّيَامِ، فَإِنَّهُ لَهُ وَجَاءٌ» (رواه البخاری و مسلم)

ترجمه: ای گروه جوانان هر آن کسی که توانایی ازدواج را داشت؛ حتماً ازدواج نماید؛ زیرا ازدواج برای فروپوشاندن و نگهداری چشم‌ها و برای رعایت عفت و پاک‌دامنی بسیار مؤثر است و هر کسی که ازدواج نتوانست، باید روزه بگیرد؛ زیرا روزه برایش نوعی نگهدارنده و پناه است.

این کنوانسیون برای دختران جوان بیرون از محدوده ازدواج زمینه زنا و تعدد روابط جنسی و ممنوعه را فراهم می‌نماید و برای رسیدن به این، سن ازدواج تعیین نموده است. برخی از کشورهای غربی می‌خواهند سن انجام روابط را در قانون "12" سال تعیین نمایند.

- برای زن اختیار بدنش را می‌دهد؛ از طریق کنترل بارداری و داشتن حق در تعیین فرزند و سقط جنین. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۗ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۗ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: 31]

ترجمه: و فرزندان تان را از ترس فقر، نکشید! ما آن‌ها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آن‌ها گناه بزرگی است!

- مقید ساختن حق شوهر در معاشرت با همسرش: هرگاه معاشرت شوهر با خانم‌اش با رضایت کامل خانم نباشد، این کنوانسیون آن را «تجاوز در بستر زناشویی» خوانده است و به امضاء نمودن کیفری که قانون آن را تصریح می‌نماید و شامل "زندانی ساختن و پرداخت جریمه" می‌شود، می‌باشد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ [البقره: 223]

ترجمه: زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هرزمانی که بخواهید، می‌توانید با آن‌ها آمیزش کنید.

در صحیح بخاری و مسلم از ابو هریره - رضی الله عنه - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:

«إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهِمَا لَعْنَتُهُمَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ» (متفق عليه)

ترجمه: هرگاه مرد، خانم/اش را به بستر فراخواند، زن امتناع ورزد و شوهرش بر وی خشمگین شود، ملائکه‌ها تا صبح به آن لعنت می‌فرستند.

این قوانینی که "سیداو" بدان فرامی‌خواند، قوانینی است که از مبدأ/ایدیولوژی سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرد؛ همان سرمایه‌داری که به زنان بدترین توهین را روا می‌دارد. اگر این قوانین وضعی برای زنان نفع می‌رساند، به زنان غربی که از صدها سال به جنبش‌های زن‌گرایی مردوارانه برای بلند نمودن صدای‌شان و گرفتن حقوق‌شان نیاز دارند و تا هنوز کرامت زنان غربی به هدر رفته است، نفع می‌رساند؛ زیرا که نظام سرمایه‌داری ولایت را لغو می‌نماید، زن را از حمایت و رعایت پدر از دخترش محروم می‌سازد، قوامت/سرپرستی را لغو می‌نماید، زن را از نفقه شوهرش محروم می‌سازد و در امور و صلاحیت‌های شوهر و خانم‌اش مداخله می‌نماید تا آن‌که زن و شوهر را از محبت و الفت محروم نموده و برای هر مریض و ضعیف‌الایمان در را می‌گشاید، تا سوء استفاده نموده و به بهانه آزادی، زنان را بی‌آبرو سازند؛ درحالی‌که اسلام زن را به عنوان "آبرو و عزت" می‌شمارد و حفاظت از آن را لازمی گردانیده است. هم‌چنان این کنوانسیون راه حل‌های سودمند و شفاف‌بخش برای مشکلات واقعی ندارد که زنان - چه زنانی که در غرب زندگی می‌کنند یا در شرق - به دلیل تطبیق نظام سرمایه‌داری از آن رنج می‌برند، مشکلاتی؛ هم‌چون: گرسنگی، فقر، جهالت، قتل، شیوع مریضی‌ها، جنگ‌های ویران‌گر، خشونت، ظلم و انزواء. این کنوانسیون، کنوانسیون باطلی است که هدف آن پوست نمودن زنان مسلمان در سرزمین‌های اسلامی از احکام الهی می‌باشد که از زمان طلوع صبح اسلام به زن کرامت بخشید و آن را دولت خلافت در طول تاریخ محافظت نمود و برای محافظت از زنان - چه مسلمان یا غیرمسلمان - ارتش خود را مسخر نموده بود.

در این شکی نیست که میان مردان و زنان در سرزمین‌های مسلمانان عملاً مشکلات وجود دارد و سکوت علماء دلیل آن است. بسیاری از مفاهیم رایج و غلط وجود دارد که روابط میان مرد و زن را تیره می‌سازد که منبع آن یا فرهنگ غربی و انبوهی از اطلاعات رسانه‌ی غربی‌سازی است و یا عادات و سنت‌های غیراسلامی است که بر خانواده و جامعه تأثیر منفی دارد. برعلاوه، از محکمه‌ها و نظام قضایی سیکولاریستی که به دستور قانون‌هایی اتکاء دارد که از جامانده‌های استعمار است، تا آب را بیش‌تر گل آلود نماید.

اگر مسلمانان دولت قوی و کیان سیاسی اجرایی می‌داشت که دستور و قوانین اسلام را در تمام زوایای زندگی برای محافظت از مردم؛ اعم از زنان و مردان تطبیق می‌نمود، کفار هرگز جرأت نمی‌کرد که به زنان مسلمان لطمه‌ای بزنند؛ بناءً، سقوط و فروپاشی تسلط غرب استعمارگر در سرزمین‌های مسلمانان؛ همانا قضیه‌ی سرنوشت‌ساز و قضیه مرگ و زندگی است. گفته نمی‌شود باید مسلمان از بند و ماده‌های کنوانسیونی که مخالف اسلام نباشد بپذیرد و یا به برخی از آنان پابندی نماید؛ زیرا اساس این قوانین کفر است و هر آن چیزی که بر اساس و بنیاد کفر بنا شود، باطل است. تسلط غرب فقط با فروپاشی حکومت‌هایی که با غرب تباری می‌کنند، امکان‌پذیر است و بر عدم تطبیق بندها و ماده‌های این کنوانسیون در هر یک از سرزمین‌های مسلمین پافشاری گردد و باید تمامی قوانین وضعی محو گردد و مجدداً اسلام در دولت خلافت راشده تطبیق گردد.

دولت خلافت راشد‌ای که از عزت و آبروی امت پاسبانی و محافظت می‌نماید و آن عبا/چادر پوشش‌دهنده‌ای است که از زنان محافظت می‌نماید و آن دولتی‌ست که برای محافظت از زنان ارتش‌ها را به حرکت درمی‌آورد و این چیزی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامی که یهودی بر جلباب و چادر زن مسلمان تمسخر نمود، انجام داد (لشکرکشی نمود) و خلیفه معتصم بالله نیز چنین نمود. آیا سرمایه‌داران جز برای قتل بی‌گناهان به منظور تأمین منافع خود برای چیزی دیگری ارتش خود را به حرکت درمی‌آورند؟

از الله سبحانه و تعالی استدعا می‌نماییم که جهان را از شر حکومت‌های جبریه/ظالمِ ناکام‌مانده نجات دهد و دست مزدوران، رهروان و یاوران شیاطین را از بالای مسلمانان کوتاه نماید و مخلصین را با برپایی اسلام و دولت، قدرت ببخشد.

نویسنده: غاده محمد حمدی - ولایه سودان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

15 ذی القعدة 1441 هـ.ق.

06 جولای 2020 م.

مترجم: حمزه پارسا